

جغرافیای تاریخی « مسرقان »

ظاهر آبرای اولین بار نام « مسرقان » در بندهشن پهلوی دیده میشود که آنرا باذ جیل (رود کارون) جزء رودهای ایران ذکر کرده و پس از آن در کتاب حدود العالم مؤلف ۳۷۲ هجری دو بار نام مسرقان برده شده ، اول در ضمن شرح رودها که مینویسد : « ... دیگر رود مسرقان اندر خوزستان رودیست که از رود شوشتر بردارد و تا اهواز برود و همه کشت ها را آب دهد و آنج بماند باز برود شوشتر افتد بنزدیکی اهواز و شهر عسکر مکرم اندر میان این دو رود افتد » . دوم در بیان نواحی و شهرهای خوزستان که میگوید : « مسرقان شهر کی خرم است و با نعمت و اندر وی خرما ی تر سخت نیکو باشد » .

سایر جغرافی نویسان اسلامی نیز از قبیل استخری و ابن حوقل که تألیفاتشان مقارن سال تألیف حدود العالم است ، مطالبی شبیه بآن در باب رود مسرقان بیان کرده اند و همچنین یاقوت حموی در کتاب بسیار نفیس و معتبر خود « معجم البلدان » رود مسرقان را بخوبی توصیف نموده و عین گفته یاقوت را مؤلف مرآت البلدان ناصری ، بدون هیچگونه تحقیق و تفسیری ترجمه و نقل کرده است .

در نوشته های سیاحان و مستشرقین خارجی هم کما بیش از رود مسرقان که گویا تا اواخر سده پنجم و اوایل سده ششم هجری معمور و مشهور بوده ذکر ی رفته است ، از آن جمله در تذکره جغرافیای تاریخی ایران تألیف بار تولد مستشرق شهیر روسی (ترجمه آقای حمزه سردادور) چنین شرح داده شده :

« جغرافیایانویسان عرب (اسلامی) آب گرگر را مسرقان مینامیدند ، از قرار معلوم نهر در آن عهد بیش از این زمان رو بجنوب امتداد یافته و تا خود شهر اهواز میرسید ، بغاصله یک منزل از شوشتر ، درجائیکه راه فارس از طرف رامهرمز به نهر می رسید شهر عسکر مکرم قرار گرفته بود . شهر باسم یکی از سرکردگان حجاج که اردوگاهش

در این مکان بود نامیده شده است ، از قراریکه حدس میزنند خرابه های شهر عسکر مکرم در نزدیکی سد بند قیرواقع شده که آنجا را هم از سنگک ساخته اند . در نزدیکی بند قیر آب دیز و آب گر گر با کارون متصل میشود . در تاریخ پانصد ساله خوزستان تألیف مرحوم کسروی شرح بالنسبه مفصلی در باب سد شادروان و نهر مسرقان بیان شده که قسمتی از آن برای سزید اطلاع خوانندگان کرامی نقل میشود :



« ... این نکته را هم باید دانست که در زمان ساسانیان و در قرهای نخستین اسلام شاخه شرقی کارون که گفتم در آن زمان مسرقان می نامیده اند چنانکه در کنار شوشتر از شاخه دیگر جدا میشده تا آخر خاک خوزستان جدا گانه روان بوده و در دهنه جدا گانه بدریا میریخته . بدینسان که از کنار شرقی شوشتر و میاناب گذشته در هفت یا هشت فرسنگی به شهر معروف عسکر مکرم رسیده و از میان آن شهر گذر کرده بروستایی که بنام خود آن رود (روستای مسرقان) نامیده میشده و دارای آبادیهای فراوان

بوده میرسیده و از آنجا نیز گذشته به برابر اهواز رسیده از بیرون کنار شرقی آن راه بیموده از زیر پل معروف اربک « که بر سر راه اهواز برامهرمز نهاده و پل بسیار معروفی بوده گذشته سرانجام در دهنه جدا گانه ای بدریا میریخته است .

تا اینجا آنچه از مجموعه اقوال جغرافی نویسان قدیم و محققین و سیاحان داخلی و

خارجی چند قرن اخیر استتباط میشود اینست که شعبه شرقی امروزی رود کارون موسوم به گرگریا «دو دانگه» که در بند قیر واقع در چهل و پنج کیلومتری تقریبی شمال شرقی اهواز بشعبه اصلی کارون بنام شطیط یا «چهار دانگه» متصل میشود همان رود یا نهر مسرقان قدیم است که بخلاف امروز در قدیم نهر مسرقان «گرگر» شعبه‌ای از رود کارون نبوده بلکه نهر یا ترعه مصنوعی بوده است که بنیاد و احداث آنرا به اردشیر ساسانی نسبت میدهند (برای شرح تفصیلی سرچشمه و مسیر رود کارون که نام قدیم آن «پازی تیگریس» یعنی بیرکوچک بوده رجوع فرمایند به نقشه ایران و کتاب مرزهای ایران تألیف و ترسیم نگارنده).

اما در باب مسیر رود یا نهر مسرقان تا شهر اهواز قدیم که در شمال اهواز فعلی (بندر ناصری) و در حوالی پل راه آهن سراسری واقع بوده، عموم سیاحان و جغرافی نویسان قدیم و جدید چنانکه دیدیم تقریباً متحدالقول هستند و همگی وصول رود مسرقان را تا حوالی شهر اهواز شرح داده‌اند ولیکن از دنباله مسیر اصلی و قدیمی آن از اهواز تا دریا که گفته میشود از بین رامهرمز و اهواز عبور کرده و تقریباً موازی با رود کارون امروزی در مصب جداگانه بخلیج فارس میریخته است متأسفانه مدرک و سند صحیح و دقیقی فعلاً در دست نداریم و اقوال و نوشته‌های متأخرین نیز چون بیشتر از لحاظ تحقیقات تاریخی است نه بحث جغرافیائی و فنی، و بخصوص که فاقد نقشه توپوگرافی یا حد اقل «پلان» واضح و مفصلی از اراضی آنجاست، بهمین علت خواننده را بمسیر حقیقی و قدیمی نهر مسرقان از حوالی اهواز تا خلیج فارس بخوبی آشنا و راهنمایی نمیکند، خاصه که هم اکنون آثار قدیمی نهرهای متعددی در این حوالی موجود است که تا هور جاموس (مغرب گامیش) واقع بین شادگان (فلاحیه سابق) و شهر قُبان قدیم امتداد داشته است.

ضمناً این نکته را هم باید متذکر بود که قدیمترین شعبه و مسیر رود کارون در بین اهواز و خرمشهر کنونی تا اتصال آن بدریا، شط‌العمی (رود کور) بوده که از «سابله» واقع در پانزده کیلومتری خرمشهر بطرف جنوب شرقی سیر کرده پس از طی تقریباً بیست و سه کیلومتر بدو شعبه اصلی بنام «قُبان» و «خویرین» منقسم و دو باره شعب

دیگری از قبیل « معاویه » و « سیلک » تقسیم شده دلتای کارون تشکیل جزایر و خور هائی میداده که مشهور ترین آنها جزیره قبان و خور موسی است . لیکن حالیه دهانه این انهار را گل و لای فرا گرفته و آب اصلی کارون از سابله بطرف جنوب غربی امتداد یافته در چهار کیلومتری خرمشهر دو شعبه شده يك شعبه آن بنام بهمنشیر موازی با شط العرب بخلیج فارس میریزد و شعبه دیگری مشهور بحقار که احداث و حفر آنرا بزمان عضدالدوله دیلمی نسبت میدهند در خرمشهر داخل شط العرب میشود و در نتیجه تشکیل جزیره عبّادان (آبادان) یا « جزیره الخضر » را میدهد .

در خاتمه این مقاله که از لحاظ ضیق صفحات مجله ، نگارنده باختصار کوشیده امیدوار است که مأمورین مطالعه در کارهای عمرانی خوزستان و سایر علاقه‌مندان ذیفن ، در ضمن اکتشاف مسیر اصلی و قدیمی مسرقان و احیاء و تجدید آن نهر که موجب عمران و آبادی قسمت عمده‌ای از خاک زرخیز خوزستانست به تهیه و ترسیم نقشه دقیق و کاملی از این نواحی ، چه از طریق عکس برداری و نقشه برداری هوائی ، و چه بوسیله مساحی زمینی توفیق یابند تا بلکه در طی خدمات اجتماعی يك قدم علمی و فنی هم که متأسفانه اولیاء امور امروز کشور کمتر باین قبیل مسائل و مباحث میل و رغبت نشان میدهند برداشته شود .

خواهران!

ابودلف از بسزرگان عرب است ، مردی شجاع و نجیب و بخشنده و دانا بود بکرین النطاح قطعه‌ای در وصف او گفت و بصلت ده هزار درهم گرفت با این پول دهکده‌ای خرید در کنار نهر « اُبله »

پس از چندی قطعه دیگر ساخت باین مضمون که « بصلتی که دادی دهکده‌ای خریدم ، و این دهکده را « خواهری » است که بر من عرضه می دارند .

ابودلف پرسید ، بهای این خواهر چندست . گفت ده هزار درهم ، این مبلغ را بشاعر داد و گفت رود « اُبله » بزرگست و در ساحل آن دهکده‌های بسیار ، و در جوار هر دهکده‌ای هم خواهری است ، اگر همه را بخواهی تصرف کنی کار دشوار می‌شود ، خوب است بهمین دو قناعت کنی !